



امام جواد علیه السلام و فضیلت‌های عمر و ابوبکر!

پس از آن که مأمون دخترش را به امام جواد تزویج کرد در مجلسی که مأمون و امام و یحیی بن اکثم و گروه بسیاری در آن حضور داشتند...

پس از آن که مأمون دخترش را به امام جواد تزویج کرد در مجلسی که مأمون و امام و یحیی بن اکثم و گروه بسیاری در آن حضور داشتند، یحیی عرض کرد: ای پسر رسول خدا! نظر شما درباره روایتی که (در مدارک اهل سنت) نقل شده است: که جبرئیل به حضور پیامبر رسید و گفت: یا محمد! خدا به شما سلام می‌رساند و می‌گوید: من از ابوبکر راضی هستم، از او بپرس که آیا او هم از من راضی است؟ نظر شما درباره این حدیث چیست؟¹

امام فرمود: من منکر فضیلت ابوبکر نیستم، ولی کسی که این خبر را نقل می‌کند باید خبر دیگری را نیز که پیامبر اسلام در حجة الوداع بیان کرد، از نظر دور ندارد. پیامبر فرمود: کسانی که بر من دروغ می‌بندند، بسیار شده‌اند و بعد از من نیز بسیار خواهند بود. هر کس بعد بر من دروغ ببندد، جایگاهش در آتش خواهد بود. پس چون حدیثی از من برای شما نقل شد، آن را به کتاب خدا و سنت من عرضه کنید، آنچه را که با کتاب خدا و سنت من موافق بود، بپذیرید و آنچه را که مخالف کتاب خدا و سنت من بود، رها کنید. امام جواد علیه السلام افزود: این روایت (درباره ابوبکر) با کتاب خدا سازگار نیست، زیرا خداوند فرموده است: **وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَتَعَلَّمَ مَا تُوسُّوسُ بِهِ نَفْسُهُ وَتَحَنُّنٌ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ** 2 ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم در دلش چه چیز می‌گذرد و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.

آیا خشنودی و ناخشنودی ابوبکر بر خدا پوشیده بوده است تا آن را از پیامبر بپرسد؟! این عقلاً محال است.

یحیی گفت: روایت شده است که: ابوبکر و عمر در زمین، مانند جبرئیل در آسمان هستند.

حضرت فرمود: درباره این حدیث نیز باید دقت شود، زیرا جبرئیل و میکائیل دو فرشته مقرب درگاه الهی‌اند و هرگز گناهی از آن دو سر نزنده است و لحظه‌ای از دایره اطاعت خدا خارج نشده‌اند، ولی ابوبکر و عمر قبل از اسلام مشرک بوده‌اند، و هر چند پس از ظهور اسلام مسلمان شده‌اند، اما اکثر دوران عمرشان را در شرک و بت پرستی سپری کرده‌اند، بنابراین محال است که خدا آن دو را به جبرئیل و میکائیل تشبیه کند.

یحیی گفت: همچنین روایت شده است که: ابو بکر و عمر دو سرور پیران اهل بهشتند درباره این حدیث چه می‌گویید؟³

حضرت فرمود: این روایت نیز محال است که درست باشد، زیرا بهشتیان همگی جوانند و پیری در میان آنان یافت نمی‌شود (تا ابو بکر و عمر سرور آنان باشند!) این روایت را بنی امیه، در مقابل حدیثی که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره امام حسن و حسین علیهما السلام نقل شده است که حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشتند، جعل کرده‌اند.

یحیی گفت: روایت شده است که: ابوبکر و عمر در زمین، مانند جبرئیل در آسمان هستند. حضرت فرمود: درباره این حدیث نیز باید دقت شود، زیرا جبرئیل و میکائیل دو فرشته مقرب درگاه الهی‌اند و هرگز گناهی از آن دو سر نزنده است و لحظه‌ای از دایره اطاعت خدا خارج نشده‌اند، ولی ابوبکر و عمر قبل از اسلام مشرک بوده‌اند، و هر چند پس از ظهور اسلام مسلمان شده‌اند، اما اکثر دوران عمرشان را در شرک و بت پرستی سپری کرده‌اند، بنابراین محال است که خدا آن دو را به جبرئیل و میکائیل تشبیه کند.

یحیی گفت: روایت شده است که عمر بن خطاب چراغ اهل بهشت است.

حضرت فرمود: این نیز محال است؛ زیرا در بهشت، فرشتگان مقرب خدا، آدم، محمد صلی الله علیه و آله و همه انبیاء و فرستادگان خدا حضور دارند، چطور بهشت با نور اینها روشن نمی‌شود، ولی با نور عمر روشن می‌گردد؟!

یحیی اظهار داشت: روایت شده است که سکینه به زبان عمر سخن می‌گوید (عمر هر چه گوید، از جانب ملک و فرشته می‌گوید).

ولادت امام جواد علیه السلام

حضرت فرمود: من منکر فضیلت عمر نیستم؛ ولی ابوبکر، با آن که از عمر افضل است، بالای منبر می‌گفت: من شیطانی دارم که مرا منحرف می‌کند، هرگاه دیدید از راه راست منحرف شدم، مرا به راه درست باز آورید.

یحیی گفت: روایت شده است که پیامبر فرمود: اگر من به پیامبری مبعوث نمی‌شدم، حتما عمر مبعوث می‌شد.⁴

امام فرمود: کتاب خدا (قرآن) از این حدیث راست تر است، خدا در کتابش فرموده است: **وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ... 5** به خاطر بیاور هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح... .

از این آیه صریحاً برمی‌آید که خداوند از پیامبران پیمان گرفته است، در این صورت چگونه ممکن است پیمان خود را تبدیل کند؟ هیچ یک از پیامبران به قدر چشم به هم زدن به خدا شرک نوزیده‌اند، چگونه خدا کسی را به پیامبری مبعوث می‌کند که بیشتر عمر خود را با شرک به خدا سپری کرده است؟! و نیز پیامبر فرمود: در حالی که آدم بین روح و جسد بود (هنوز آفریده نشده بود) من پیامبر شدم.

باز یحیی گفت: روایت شده است که پیامبر فرمود: هیچگاه وحی از من قطع نشد، مگر آن که گمان بردم که به خاندان خطاب (پدر عمر) نازل شده است، یعنی نبوت از من به آنها منتقل شده است.

حضرت فرمود: این نیز محال است، زیرا امکان ندارد که پیامبر در نبوت خود شک کند، خداوند می فرماید: **اللَّهُ يَصْنَعُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ** 6 خداوند از فرشتگان و همچنین از انسانها رسولانی برمی گزیند. (بنابراین، با گزینش الهی، دیگر جای شکی برای پیامبر در باب پیامبری خویش وجود ندارد).

یحیی گفت: روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر عذاب نازل می شد، کسی جز عمر از آن نجات نمی یافت. حضرت فرمود: این نیز محال است، زیرا خداوند به پیامبر اسلام فرموده است: **وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ** 7 و مادام که تو در میان آنان هستی، خداوند آنان را عذاب نمی کند و نیز مادام که استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند.

می بینید که برای نزول عذاب دو مانع ذکر شده است و لا غیر؛
الف) وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله در بین مردم.
ب) توبه و استغفار مردم.

بدین ترتیب تا زمانی که پیامبر در میان مردم است و تا زمانی که مسلمانان استغفار می کنند، خداوند آنان را عذاب نمی کند. البته ناگفته نماند که امام (ع) با حفظ تقیه، این مناظره را انجام داده است.

تنظیم: گروه دین و اندیشه تبیان

1. علامه امینی در کتاب الغدير (ج 5 ص 321) می نویسد: این حدیث دروغ و از احادیث مجعول محمد بن باب شاذ است.
2. سوره ق، آیه 16.
3. علامه امینی این حدیث را از برساخته های یحیی بن عنبسه شمرده و غیر قابل قبول می داند، زیرا یحیی شخصی جاعل حدیث و دغلکار بوده است (الغدير، ج 5، ص 322). ذهبی نیز یحیی بن عنبسه را جاعل حدیث و دغلکار و دروغگو می داند و او را معلوم الحال شمرده و احادیثش را مردود معرفی می کند (میزان الاعتدال، تحقیق: علی محمد البجاوی، ج 4، ص 400، چاپ اول، دار احیاء الکتب العربیة، 1382 ق).
4. یحیی گفت: روایت شده است که پیامبر فرمود: اگر من به پیامبری مبعوث نمی شدم، حتما عمر مبعوث می شد.
5. سوره احزاب، آیه 7.
6. سوره حج، آیه 75.
7. سوره انفال، آیه 33.

منابع:

مرحوم طبرسی، احتجاج، ج 2، ص 248 247، نجف، المطبعة المرتضوية، 1350 ق؛
علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 50، ص 83 80 الطبعة الثانية، تهران، المكتبة الاسلامية، 1395 ق؛
سید عبد الرزاق مقرر، نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد (ع)، ترجمه دکتر پرویز لولاور، ص 100 98 مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1370 ش.

مذهب نیوز